

## نقد و بررسی مقاله «شیخ شرف‌الدین احمد یحیی منیری» در کتاب زبان فارسی در هند

● محمدصادق خاتمی

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد m.s.khatami92@gmail.com

● سلمان ساکت

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد saket@ferdowsi.um.ac.ir

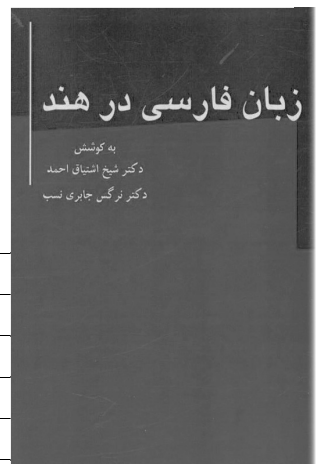
### چکیده

کتاب زبان فارسی در هند مجموعه‌ای است از شش مقاله درباره گسترش زبان فارسی در هند که به کوشش شیخ اشتیاق احمد و نرگس جابری‌نسب منتشر شده است. از مهم‌ترین مزایای این اثر آن است که شش مقاله پراکنده در یک مجموعه در اختیار مخاطب قرار گرفته و دستیابی به آن‌ها را برای محققان آسان‌تر کرده است. مقاله دوم این کتاب با عنوان «شیخ شرف‌الدین احمد یحیی منیری» به قلم محمد آصف انصار است که صفحات سی و یک تا نود و هشت این کتاب را به خود اختصاص داده است. از آن‌جاکه در جای‌جای این مقاله اشتباهاتی وجود دارد، در جستار پیش رو با استفاده از منابع گوناگون، نقد و بررسی و اشتباهات و کاستی‌های آن گوشزد شده است.

**کلیدواژه:** زبان فارسی در هند، تصوف در هند، شرف‌الدین منیری، محمد آصف انصار

### مقدمه

احمد بن یحیی بن اسرائیل بن محمد الهاشمی المنیری (۷۸۲-۶۶۱ ق)، ملقب به «شرف‌الدین» و منسوب به «منیر»، در روزگار سلطان ناصرالدین محمود (حک ۶۶۴-۶۴۴ ق)، در قریه «مَنیر» هندوستان (روستایی در استان



■ انصار، محمد آصف (۱۳۹۶). «شیخ شرف‌الدین احمد یحیی منیری». *زبان فارسی در هند: مجموعه مقالاتی بی‌امون گسترش زبان فارسی در هند*. شیخ اشتیاق احمد و نرگس جابری‌نسب. تهران: هزاره ققنوس. ۹۸-۳۱.

فصلنامه نقدکتاب

## ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۶۰

بهار کنونی، واقع در شرق هند) زاده شد. شرف‌الدین در سال ۶۷۸/۶۷۹ ق. برای تحصیل از منیر به سنارگاؤن/ سنارگانو بنگال رفت و در آنجا ازدواج کرد. در سال ۶۹۰ ق. از تحصیل فراغت یافت و به سبب فوت پدر به منیر بازگشت. او در سال ۶۹۱ ق. به همراه برادر بزرگ خود، شیخ جلیل‌الدین برای یافتن پیر به دهلی سفر کرد و به نجیب‌الدین فردوسی (م ۷۳۲ ق) دست ارادت داد. در سال ۶۹۵ ق. در راه بازگشت از دهلی سی سال در جنگل‌های بی‌هیما و راجگیر پنهان شد و در نهایت در سال ۷۲۱ ق. از جنگل راجگیر بیرون آمد و به مدت ده سال در روزهای جمعه در شهر بهار اقامت می‌کرد. در ۷۳۱ ق. در شهر بهار ساکن شد. سلطان محمد بن تغلق (حک ۷۵۲-۷۲۵ ق)، پادشاه دهلی به مجدالملک مقطع بهار فرمانی مبنی بر ساخت خانقاه برای تدریس شیخ صادر کرد. شرف‌الدین سرانجام در ششم شوال ۷۸۲ ق. در بهار درگذشت.

چنان‌که گذشت، دومین مقاله در کتاب *زبان فارسی در هند*، به شرف‌الدین منیری اختصاص یافته و با عنوان «شیخ شرف‌الدین احمد یحیی منیری» منتشر شده است. در پیشگفتار کتاب مذکور آمده که در این مقاله به زندگی و سهم شیخ منیری در پیشرفت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در هند در سه بخش پرداخته شده است: بخش نخست به معرفی و شرح احوال شرف‌الدین پرداخته است. در بخش دوم از آثار شیخ منیری سخن رفته و در بخش سوم نقش و تأثیر شرف‌الدین منیری در ادبیات فارسی بررسی شده است (رک. احمد و جابری‌نسب، ۱۳۹۶: ۸). نگارندگان که مدتی به تصحیح مهم‌ترین اثر فارسی شیخ منیری، یعنی *مکتوبات صدی<sup>۱</sup>* و تحقیق درباره آن مشغول بودند، چندی پیش به این مقاله رجوع کردند، اما به سبب سهوهای راه‌یافته به

نوشتار مذکور، بر آن شدند تا آن اشتباهات را در جستار حاضر گزارش کنند.

### بحث و بررسی

۱- نویسنده دو بار در مقاله خود شرف‌الدین را زاده ۲۹ شعبان سال ۶۶۱ ق. دانسته (ر.ک. انصار، ۱۳۹۶: ۳۲ و ۳۸) و استناد او به منبع متأخری با نام آثار منیر است که گویا در سال ۱۹۴۸ م. منتشر شده است (ر.ک. همان: ۳۲ و ۹۷)، حال آن‌که می‌دانیم، زادسال شرف‌الدین در منابع نزدیک به دوران حیات او نیامده است و تنها برخی از منابع متأخر که از شالوده تحقیق مایه چندانی ندارند و هیچ‌یک برای مدعی خود منبعی ارائه نداده‌اند، تولد شیخ منیری را در سال «۶۶۱ هجری قمری (۱۲۶۳ میلادی) نوشته‌اند» (مطیع‌الامام، ۱۳۷۲ ش/ ۱۹۹۳ م: ۵۱)، تا بدانجا که در منبعی مانند آثار منیر حتی روز و ماه تولد شرف‌الدین نیز آمده است که بی‌اعتبار بودن آن آشکار است. همچنین به باور برخی از محققان شاید شرف‌الدین در سال ۶۹۰ ق. زاده شده باشد (ر.ک. عرب، ۱۹۹۴ م: پانچ)، چنان‌که افشار (۲۰۰۳ م/ ۱۳۸۲ هـ ش، بخش یکم: ۱۲۱) نیز شرف‌الدین را متولد سال ۶۹۱ ق. دانسته است، گرچه به گمان نگارندگان با سال شماری که می‌توان برای رویدادهای زندگی شیخ منیری ترتیب داد، سال ۶۹۰/۶۹۱ ق. بسیار بعید به نظر می‌رسد.

به‌هرروی می‌توان گفت، عمر صد و بیست و یک ساله شرف‌الدین چندان هم عجیب نیست؛ زیرا شفیعی کدکنی نیز آن‌جا که از بایزید بسطامی (۲۶۱-۱۸۸ ق) و شاگردی او نزد امام صادق (ع) (۱۴۸-۸۳ ق) سخن گفته، آورده است که «باید عمری در حدود صد سال برای او فرض شود... اما خلاف عقل و منطق هم نیست، عمرهایی از این دست در اقران بایزید کم نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۳۹-۳۸)، چنان‌که ابوالخیر اقطع (م سیصد و چهل و اند) نیز «عمری دراز یافته و حدود یکصد و بیست سال زیسته است» (عطار، ۱۳۹۸، ج ۱: ۵۷۰).

۲- به باور نویسنده مقاله «سلسله فردوسی‌ه از سهروردیه منشعب شد. بنیان‌گذار این سلسله در شبه قاره هند، خواجه بدرالدین سمرقندی است» (انصار، ۱۳۹۶: ۳۲).

می‌دانیم که بنیان‌گذار طریقه فردوسی‌ه در شبه قاره بدرالدین سمرقندی (م ۷۱۶ ق) است که از «سیف‌الدین باخرزی خرقه خلافت گرفت و بعد از وفات شیخ به هند روی کرد و به شیخ نظام‌الدین اولیاء (م ۷۲۵ ق) پیوست» (مجددی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۸۲۹). خواجه بدرالدین در دهلی اقامت گزید و به «دهلوی» شهرت یافت (حسنی، ۱۳۸۲ ق/ ۱۹۶۲ م، ج ۱: ۹۸-۹۷) و در زمان حیات خود آوازه‌ای به‌سزا یافت، اما فردوسی‌ان نتوانستند در دهلی پایگاهی یابند، تا

این که سرانجام در اواخر سده هشتم هجری پایگاه خود را در شهر «بهار» تثبیت کردند.

طریقه کبرویه فردوسیه نسبت روحانی خود را به سیف‌الدین باخرزی (۶۵۹-۵۸۶ ق)، یکی از خلفای بزرگ نجم‌الدین کبری (م ۶۱۸ ق) می‌رساند. سیف‌الدین گویا یکی از مریدان سمرقندی خود، یعنی خواجه بدرالدین را برای اقامت دائم به دهلی فرستاده بود، اما گرچه مؤسس این سلسله در شبه قاره خواجه بدرالدین سمرقندی است، تا دوره جانشین او، خواجه رکن‌الدین فردوسی (م ۷۲۴ ق)، مشایخ این سلسله ملقب به «فردوسی» نبودند (فردوسی، ۱۳۱۳ق/۱۸۹۵م: ۹) و در این سرزمین پیشرفت چندانی نکرده بودند. شیخ رکن‌الدین که نزدیک کیلوکهری می‌زیست، مرید شیخ بدرالدین سمرقندی و پیر شیخ نجیب‌الدین فردوسی بوده است (رک. محدث دهلوی، ۱۳۸۳: ۲۳۰-۲۲۹).

خواجه نجیب‌الدین فردوسی (م ۷۳۲ ق)، جانشین و از خلفای شیخ رکن‌الدین دوست‌تر می‌داشت که بی‌سروصدا و پرهیزگارانانه زندگانی را به سر برد، اما مریدان خواجه نجیب‌الدین موجب شهرت او شدند (رضوی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۷۶). مقام بلند خواجه را «از همین جا قیاس توان کرد که شیخ شرف یحیی از جمله مریدان اوست» (دهلوی کشمیری همدانی، ۱۹۸۸م: ۱۰۱). شیخ شرف‌الدین منیری، فرزند مخدوم شاه یحیی منیری بهاری (م ۶۹۰ ق)، سرآمد همه مریدان خواجه نجیب‌الدین بود که نیاکانش در سده ششم هجری در بهار رحل اقامت افکنده بودند.

بنابراین گرچه در برخی از منابع کهن و معاصر طریقه شرف‌الدین منیری به سلسله سهروردیه و گاه چشتیه منسوب شده، اما به‌گواه آثار شیخ منیری و نیز بیشتر منابع هم‌روزگار او، شرف‌الدین به طریقه کبرویه فردوسیه منتسب بوده است.<sup>۲</sup>

۳- می‌دانیم، مکتوبات شرف‌الدین شامل مطالب عرفانی و توصیه‌های دینی و اخلاقی است که خطاب به مریدان خود نوشته و در قالب سه مجموعه با نام‌های زیر فراهم آمده است:

۱. مکتوبات صدی / صد مکتوب: گردآورده زین بدر عربی در سال ۷۴۷ ق.
۲. مکتوبات دو صدی / دو بیست و چند مکتوب: فراهم آورده اشرف بن رکن در سال ۷۶۹ ق.<sup>۳</sup>
۳. مکتوبات بیست و هشت / مکتوبات جوابی: گردآورده حسین بن معز بلخی در سال ۸۰۳ ق.

اشاره به این نکته بایسته است که به گفته مطیع‌الامام (۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م: ۱۸۵)، هرمان اته به‌غلط زین بدر عربی را جامع مکتوبات دو صدی دانسته،

همان‌طور که رضوی (۱۳۸۰، ج ۱: ۲۹۱) نیز این اشتباه را تکرار کرده‌است. نویسنده مقاله نیز با استناد به کتاب الشرف دربارهٔ مکتوبات دو صدی آورده‌است: «زین بدر عربی از آغاز تا مکتوب ۱۵۱ را تنظیم کرده و... تعداد ۵۷ مکتوب از بین ۱۵۱ مکتوب از اشرف بن رکن است. حضرت زین بدر عربی مکتوبات را از آغاز جمادی‌الاول تا اول ماه رمضان ۷۶۹ هجری قمری تدوین کرده‌است» (انصار، ۱۳۹۶: ۷۶).

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۶۳

چنان‌که پیداست، در سخن فوق دو اشتباه وجود دارد: نخست این‌که او زین بدر عربی را جامع صد و پنجاه و یک مکتوب دانسته، حال آن‌که پنجاه و هفت مکتوب را از بین صد و پنجاه و یک مکتوب از اشرف بن رکن دانسته، دیگر آن‌که گویا به تأثر از هرمان اته و سید اطهر عباس رضوی، زین بدر را گردآورندهٔ نهایی مکتوبات دوصدی به شمار آورده‌است.

۴- مکتوبات صدی، مهم‌ترین اثر صوفیانهٔ شرف‌الدین شامل صد مکتوب است که در ماه‌های سال ۷۴۷ ق. بنابه تقاضای یکی از مریدان خاص او به نام «قاضی شمس‌الدین» نوشته شده‌است. قاضی شمس‌الدین حاکم یکی از قضبات اطراف منیر و از دیوانیان چوسای بهار بود که مشاغل رسمی حکومت، او را از حضور در مجالس شیخ بازمی‌داشت. شرف‌الدین پرسش‌های قاضی را با نثر فصیح و عالمانهٔ پارسی و لطف و دقتی خاص در نود و هشت مکتوب پاسخ گفته که یکی از مریدان خاص شیخ منیری به نام «زین بدر عربی»، آن‌ها را با دو مکتوب، یعنی مکتوب هشتم با عنوان «در ولی» (منیری، ۱۹۹۴م: ۳۰-۲۶ر) و مکتوب نهم با عنوان «در ولایت» (همان: گ. ۳۴-۳۰ر) که شرف‌الدین آن‌ها را به قاضی صدرالدین نوشته، جمع کرده‌است.

به باور نویسنده مقاله، مکتوبات صدی «مشمتمل بر صد مکتوب است و به نام قاضی شمس‌الدین، مرید خاص مخدوم و حاکم چوسه در آن زمان است» (انصار، ۱۳۹۶: ۶۸)، حال آن‌که سخن دقیق‌تر آن است که نود و هشت مکتوب به نام قاضی شمس‌الدین و دو مکتوب به نام قاضی صدرالدین است.

مطیع‌الامام (۱۳۷۲ش/ ۱۹۹۳م: ۱۷۳) تاریخ تدوین مکتوبات صدی را ۷۴۷ ق. دانسته، حال آن‌که به نظر می‌رسد، گردآوری اثر به دست زین بدر عربی پس از این سال انجام گرفته باشد، زیرا زین بدر در دیباچهٔ مکتوبات صدی آورده‌است:

«در شهر سنهٔ سبع و اربعین و سبعمائه در قصبهٔ مذکوره بر سائل مذکور فرستادن فرمود و این مجموعه، خدمتکاران و خادمان که در آن محل حاضر بودند، از آن مکتوبات انتساخت کردند و بر این ترتیب مرتب گردانیده» (منیری، ۱۰۴۱ ق، گ. ۱ پ).

بنابراین نخست، مریدان قاضی شمس‌الدین از صد مکتوب نسخه

برمی‌داشتند و سپس زین بدر پس از ۷۴۷ ق. و به احتمال بسیار در سال ۷۴۸ ق. آن نامه‌ها را با نوشتن دیباچه‌ای عالمانه و شاید با ترتیب دادن نامه‌ها از سوی خود، به صورت کتابی مستقل فراهم آورده باشد، چنان‌که در جایی از کتاب زبان فارسی در هند نیز سال ۷۴۸ ق. به عنوان سال تدوین مکتوبات صدی آمده (رک. انصار، ۱۳۹۶: ۶۹)، هرچند در جای دیگر نوشته شده که صد مکتوب پیش از ۷۴۷ ق. گرد آمده است (همان: ۹۳).

۵- به باور نویسنده مقاله، «کاتب مکتوبات بیست و هشت... شیخ حسین بن معز بلخی است» (همان: ۸۲).

حال آن‌که حسین بن معز بلخی، معروف به حسین نوشته توحید (م ۸۴۴ ق)، برادرزاده و جانشین مظفر شمس بلخی (م ۷۸۸/۸۰۳ ق)، گردآورنده و نه کاتب مکتوبات بیست و هشت (مکتوبات جوابی) است.

۶- در یکی از عناوین نوشتار محمد آصف انصار به اشتباه آمده است: «مکتوبات شیخ شرف‌الدین یحیی احمد منیری» (همان: ۶۸)، حال آن‌که چنان‌که گذشت، صورت صحیح نام و نسب او بدین گونه است: «احمد بن یحیی بن اسرائیل بن محمد الهاشمی المنیری» (حسنی، ۱۳۵۰ ق، ج ۲: ۸).  
۷- چنان‌که می‌دانیم، معدن‌المعانی (تألیف: پیش از ۱۵ شعبان ۷۴۹ ق)، نخستین و مهم‌ترین مجموعه ملفوظات شیخ منیری است که به وسیله زین بدر عربی در شصت و سه باب و بدون تاریخ ثبت مجالس تدوین یافته است (رک. مطیع الامام، ۱۳۷۲ ش/ ۱۹۹۳ م: ۲۰۱-۱۹۶). نویسنده مقاله در سخن از این اثر آورده است:

«بیشتر از همه، ابیاتی از مثنوی مولانا، اشعار سعدی، عطار، خاقانی، عرفی شیرازی و غیره در معدن‌المعانی [به] چشم می‌خورد» (انصار، ۱۳۹۶: ۵۹).  
حال آن‌که پیداست که اشعار عرفی شیرازی (م ۹۹۹ ق) در سده‌های بعد به معدن‌المعانی افزوده شده است.

۸- محمد آصف انصار نخستین ویژگی مکتوبات صدی را چنین توصیف کرده است: «آغاز بیشتر مکتوبات با شعر شاعرانی مانند: شیخ فریدالدین عطار، خواجه حکیم سنایی، سعدی شیرازی، مولانا جلال‌الدین رومی و حافظ شیرازی... است» (همان: ۶۹)، چنان‌که در جای دیگر نیز درباره شیخ منیری آورده است: «تأثیر و نفوذ مولانای رومی، سنایی، عطار، سعدی، حافظ در زندگی و آثار وی نمایان است» (همان: ۹۵).

در این‌جا اشاره به دو نکته بایسته است:

نخست آن‌که بر خلاف سخن فوق، هیچ‌یک از صد مکتوب با ابیات شاعران آغاز نشده است.

دیگر آن‌که دو بیت از حافظ شیرازی (م ۷۹۲ ق) که تنها در برخی از

چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی آمده، بی‌شک افزوده کاتبان است و در نسخ کهن صد مکتوب که در دسترس نگارندگان است، وجود ندارد؛ در ثمرات/القدس من شجرات/الانس لعلی بدخشی (۱۰۲۲-۹۶۸ ق.) نیز بیتی از حافظ به پایان مکتوب چهل و نهم شیخ با عنوان «در ذکر طالب» (رک. منیری، ۱۹۹۴م، گ. ۱۵۶ پ-۱۵۴ ر) افزوده شده است (رک. لعلی بدخشی، ۱۳۷۶: ۹۴۰) که نگارندگان در نوشتار دیگری نشان داده‌اند که یقیناً افزوده کاتبان اواسط سده نهم هجری به بعد است (رک. خاتمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۹-۴۸) و گویا لعلی بدخشی نیز شواهد کتاب خود را از نسخه‌ای متأخر از مکتوبات صدی که نزدیک به زمان اوست، برگرفته است. این مدعا با سخن افشین‌وفایی (۱۳۹۲، ج ۳: ۱۷) نیز پیوند می‌یابد که استشهاد به ابیات حافظ در آثار فارسی شبه قاره، از اواسط سده نهم هجری آغاز شد و به آرامی رونق گرفت.

فصلنامه نقد کتاب

## ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۶۵

نخستین بیت افزوده از دیوان حافظ تنها در چاپ سنگی لکهنو (مورخ ۱۲۸۷ ق) از سوی کاتب در جایی از مکتوب هجدهم شرف‌الدین با عنوان «در غلطگاه مردمان» (رک. منیری، ۱۹۹۴م، گ. ۶۰ پ-۵۷ ر) بدین گونه افزوده شده است:

«چه آدمی را بدان صفت که آفریده، پاک شدن از او صورت نبندد، چنان که گلیم سیاه را سفید کردن نتوان، پس کاری که محال است، بدان مشغول نشویم، بیت وگر به سعی کسانش سفید نتوان کرد/ گلیم بخت سیاه را که یافتند (کذا) سیاه» (منیری، ۱۲۸۷ ق / ۱۸۷۰م: ۵۸).  
نگارندگان بیت الحاقی فوق را در منابع نیافتند، گرچه به احتمال بسیار، بیت حاضر صورتی از بیت مشهور «به آب زمزم و کوثر سپید نتوان کرد/ گلیم بخت کسی را که یافتند سیاه» باشد که در شمار یکی از ابیات دیوان حافظ آمده است (رک. حافظ، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۰۸۱). چنان که دهخدا (۱۳۶۳، ج ۱: ۳۷۴؛ همو: ج ۲: ۹۱۰) نیز این بیت را به صورت اخیر در امثال و حکم آورده و در جای دیگر نیز آن را به صورت «گلیم بخت کسی را که یافتند سیاه/ به آب زمزم و کوثر سفید نتوان کرد» (همو: ج ۳: ۱۳۲۲) به حافظ منسوب کرده است.

چنان که بیت دیگری از حافظ نیز در دو چاپ سنگی لکهنو مورخ (۱۲۸۷ ق) و لاهور (مورخ ۱۳۱۹ ق) به مکتوب پنجاه و پنجم شیخ منیری با عنوان «در صحبت قاضی صدرالدین و تحریض علم» (رک. منیری، ۱۹۹۴م: گ. ۱۷۳ پ - ۱۷۵ پ) افزوده شده است:

«چیزی که پدرت به دانه گندم فروخت، چه گرامی کند (ظ: کرامی کند) تو را که رخت آنجا (چاپ سنگی لاهور: اینجا) نهی؟ بیت (چاپ سنگی لاهور: - بیت) پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت / من که باشم

که جهان را به جوی نفروشم والسلام (چاپ سنگی لاهور: - «والسلام»)»  
(ر.ک. همان: ۱۲۸۷ ق/ ۱۸۷۰م: ۱۷۵؛ همو: ۱۳۱۹ ق/ ۱۹۰۱ - ۱۹۰۲م: ۱۵۴).  
گفتنی است، این بیت در دیوان حافظ (چاپ خانلری) به صورت «پدرم  
روضه جنت به دو گندم بفروخت/ من چرا باغ جهان را به جوی نفروشم»  
(حافظ، ۱۳۶۲، ج ۱: ۶۸۰) آمده است.

۹- نویسنده مقاله سومین ویژگی مکتوبات صدی را نیز بدین گونه آورده است:  
«باتوجه به نامه‌های مندرج در مکتوبات صدی می‌توان گفت که شیخ  
شرف‌الدین یحیی منیری نه فقط به زبان فارسی، بلکه به زبان‌های عربی  
و زبان‌های محلی اطراف خود نیز تسلط داشت... و از ضرب‌المثل‌های زبان  
محلی مانند (دوهی و فقری) استفاده کرده است» (انصار، ۱۳۹۶: ۶۹).  
حال آن که هرچند از رهگذر مکتوبات صدی می‌توان تسلط شیخ را به  
زبان‌های فارسی و عربی دریافت، اما چنان که مطیع‌الامام (۱۳۷۲ش/ ۱۹۹۳م:  
۲۴۹) نیز اشاره کرده، در صد مکتوب حتی یک کلمه هندی نیز به کار  
نرفته است.

۱۰- به باور نویسنده مقاله، «علاوه بر رساله معدن‌المعانی، در مکتوبات  
صدی... مکتوبات دو صدی، مکتوبات بیست و هشت... خوان پر نعمت،  
کنز‌المعانی، گنج لایفی، ملفوظ‌الصفیر و مخ‌المعانی... از اشعار مثنوی مولانا  
بسیار استفاده شده» (انصار، ۱۳۹۶: ۹۳)، حال آن که در مکتوبات صدی تنها  
یک بیت از مثنوی معنوی در مکتوب هفتاد و دوم شیخ منیری با عنوان «در  
پاکیزه گردانیدن اخلاق مذمومه» (ر.ک. منیری، ۱۹۹۴م: گ. ۲۳۱ - پ ۲۳۴ ر)  
آمده و بر پایه پژوهش نگارندگان، اسرارنامه، حدیقه‌الحقیقه و مخزن‌الاسرار  
به ترتیب در شمار آثار منظومی است که شرف‌الدین در مکتوبات صدی از  
آن‌ها بیشترین تأثیر را پذیرفته است. گفتنی است، تنها اثری که شیخ منیری  
تقریباً در اغلب صد مکتوب، ابیاتی از آن را به استشهد آورده، اسرارنامه است.  
۱۱- نویسنده مقاله در بخشی از نوشتار خود، از اشعاری که در مکتوبات صدی  
آمده، یاد کرده، حال آن که او برخی از آن ابیات را به اشتباه به شرف‌الدین و یا  
سخنورانی دیگر نسبت داده که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است:

«شرف زنار تسبیحت یکی شد تو خواهی خواجه شو خواهی غلامی»  
نویسنده مقاله بیت فوق را گویا با نظر به تخلص «شرف»، به شرف‌الدین  
منیری منسوب کرده (ر.ک: انصار، ۱۳۹۶: ۷۳)، چنان که در جای دیگر نیز آورده  
که شیخ منیری «در مکتوبات صدی در بیتی به تخلص شعری خود، شرف  
اشاره کرده است و می‌گوید:

شرف زنار و تسبیحت یکی شد تو خواهی خواجه شو خواهی غلامی»  
(همان: ۹۴)



گویا محمد آصف انصار به سبب کلمه «شرف» در این بیت که آن را تخلص شرف‌الدین منیری<sup>۴</sup> دانسته، بیت را به شیخ منیری نسبت داده‌است، حال آن‌که این بیت در تذکره مجمع‌التفائس (تألیف: ۱۱۶۴ ق) با اختلاف «شرف تسبیح و زنارت یکی شد»، به شیخ ابوعلی شرف پانی‌پتی نسبت یافته‌است (رک. آرزو، ۱۳۸۵، ج ۲: ۷۵۳) و نشان می‌دهد که «شرف»، تخلص شرف‌الدین ابوعلی قلندر (م ۷۲۴ ق) است.

فصلنامه نقدکتاب

## ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۷ و ۸  
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۶۷

نویسنده مقاله پس از انتساب بیت فوق به شیخ منیری آورده: «مخدوم گاهی از تخلص «دیوانه» در اشعار سروده خود استفاده کرده‌است و هیچ‌جا نام خود را ننوشته‌است» (انصار، ۱۳۹۶: ۹۴).

حال آن‌که نگارندگان تخلص «دیوانه» را در هیچ‌یک از نسخه‌ها و نیز چاپ‌های سنگی مکتوبات صدی که در دست دارند، نیافته‌اند.

به باور محمد آصف انصار «با تحقیق در آثار شیخ شرف‌الدین احمد یحیی منیری به قدرت شاعری وی نیز می‌توان پی برد» (همان: ۹۵). درباره شاعری شرف‌الدین و تخلص او اشاره به این نکته نیز بایسته است که در جای‌جای مکتوبات صدی عبارات و ابیاتی آمده که بر مبنای آن‌ها به ذهن متبادر می‌شود که شاید شیخ منیری شاعر نیز بوده‌است، حال نه به صورت حرفه‌ای، بلکه از سر تفتن. نخستین شاهد این مدعا را می‌توان در آثار شیخ، از جمله مکتوبات صدی او جست؛ زیرا در این اثر، گاه گزاره‌هایی مانند «سوخته‌ای گفته» (منیری، ۱۹۹۴م: ۱۷۱ ر)، «بیچاره‌ای گفته» (همان) آمده‌است و شاید منظور شرف‌الدین از برخی از این گزاره‌ها که نگارندگان از سراینده آن ابیات نیز نشانی نیافته‌اند، خود او بوده‌است.

دلیل دیگر را می‌توان در تذکره‌های شاعران یافت. برای نمونه، صاحب عرفات‌العاشقین (پایان تألیف: ۱۰۲۴ ق) از شرف‌الدین یاد کرده و از او یک رباعی و نیز قطعه‌ای دوبیتی آورده‌است (رک. اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۱۹۸۴-۱۹۸۳)، چنان‌که مؤلف ریاض‌العارفین (تألیف: ۱۲۶۰ ق) و صاحب ریحانة‌الادب (م ۱۳۳۳ ش) نیز افزون بر رباعی مذکور در عرفات‌العاشقین، یک بیت را به نام شیخ آورده‌اند (رک. هدایت، ۱۳۸۵: ۱۸۸؛ مدرّس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۰۱). در تذکره نتایج‌الافکار (تألیف: ۱۲۵۸ ق)، تذکره آفتاب عالم‌تاب (پایان تألیف: ۱۲۶۹ ق) و تذکره شمع‌انجمن (تألیف: ۱۲۹۲ ق) نیز همان رباعی با مطلع «چون عود نبود، برگ بید آوردم...» به نام شرف‌الدین آمده‌است (رک. گوپاموی، ۱۳۳۶: ۳۶۱؛ اختر هوگلی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۸۲۳؛ صدیق حسن خان، ۱۳۸۶: ۳۶۰). در تذکره صحف ابراهیم (تألیف: ۱۲۰۶ ق) نیز در برگ‌های ۱۰۵۷ ر - ۱۰۵۷ پ از شیخ منیری یاد شده و درباره او آمده‌است: «گاهی به نظم رباعی توجه می‌فرمود» (خلیل عظیم‌آبادی، احتمالاً ۱۲۵۰ ق: ۱۰۵۷ پ)،

که سخن اخیر بر مدّعی نگارندگان نیز صحّه می‌گذارد. در تذکرةالشعراء (پایان تألیف: ۱۹۱۰م/۱۳۲۸ق) نیز از شرف‌الدّین یاد و تخلص او «شرف» ذکر شده (رک. غنی مؤفّرآبادی، ۱۹۱۶م/۱۳۳۴ق: ۷۱) و سرانجام فرهنگ سخنوران نیز در شمار آخرین منابعی است که از «شرف منیری» یاد کرده‌است (رک. خیّام‌پور، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۰۰).

بنابراین گرچه از شیخ منیری ابیات زیادی بر جای نمانده‌است و به یقین نمی‌توان او را شاعر خواند، امّا ظاهراً با شعر و شاعری بیگانه نبوده و از این رو در انتخاب و نقل اشعار فارسی و گاه تازی سخنوران و صوفیان شاعر نهایت ذوق و دقت را به کار بسته‌است.

نویسنده مقاله بیت «إِذَا ذَهَبَ الْعَتَابُ فَلَيْسَ وَدٌّ/ وَ يَبْقَى الْوُدُّ مَا بَقِيَ الْعَتَابُ» را به سنایی (م ۵۲۵؟ ق) نسبت داده (رک. انصار، ۱۳۹۶: ۷۳)، حال آن‌که صاحب بهجةالمجالس و انس‌المجالس (۴۶۳-۳۶۸ ق) آن را به نام علی بن الجهم (۲۴۹-۱۸۸ ق) آورده‌است (رک. ابن عبدالبرّ النمری القرطبی، ۱۹۸۱م، ج ۲: ۷۲۸).<sup>۵</sup> نویسنده مقاله ابیات زیر را نیز به سنایی نسبت داده‌است:

«تو گنج نه سپهری در میانه      برآ از چار دیوار زمانه  
تو گنجی لیک در بند طلسمی      چو جانی لیک در زندان جسمی  
اگر تو روی بنمایی ز پرده      بسوزی هفت چرخ سالخورده  
چو از حق برگ زندان می‌نیابی      عجب نبود اگر آن می‌نیابی»  
(انصار، ۱۳۹۶: ۷۳)

حال آن‌که این ابیات از اسرارنامه است (رک. عطّار، ۱۳۸۶: ۱۰۷). نویسنده مقاله بیت «گر هر دو جهان دهند ما را/ چون وصل تو نیست بی‌نوایم» را نیز به شرف‌الدّین منیری منسوب کرده (رک. انصار، ۱۳۹۶: ۷۳)، حال آن‌که این بیت با اختلاف «گر ملک جهان دهند ما را/ چون وصل تو نیست بی‌نوایم» (همام، ۱۳۹۴: ۱۳۰)، در دیوان همام تبریزی (م ۷۱۴ ق) آمده‌است.

نویسنده مقاله ابیات زیر را به شیخ منیری نسبت داده‌است:

«کافری است این نفس نافرمان چنین      کشتن او کی بود آسان چنین  
صد هزاران دل بمرد از غم همی      وین سگ کافر نمی‌میرد دمی  
هر که این سگ را به مردی کرد بند      هر دو عالم شیر آرد در کمند  
از این کافر که ما را در نهاد است      مسلمان در جهان کمتر فتادست»  
(انصار، ۱۳۹۶: ۷۵-۷۴)

حال آن‌که سه بیت نخست از منطق‌الطیر (رک. عطّار، ۱۳۸۷ الف: ۳۲۱ - ۳۲۰) و بیت آخر از اسرارنامه است (رک. همو، ۱۳۸۶: ۱۳۱).

نویسنده مقاله بیت «خدا یا رحمت دریای عام است/ از آن جا قطره‌ای ما را تمام است» را به شیخ منیری نسبت داده (رک. انصار، ۱۳۹۶: ۹۵)، حال آن که بیت حاضر از الهی‌نامه است (رک. عطار، ۱۳۸۷: ب: ۱۱۳).

نویسنده سه بیت را از مکتوبات صدی (چاپ سید شاه نجم‌الدین احمد فردوسی) نقل کرده که در اصل از بوستان سعدی است، اما هیچ‌یک در نسخه‌ها و چاپ‌های سنگی در دسترس نگارندگان وجود ندارند. این ابیات عبارتند از:

«نه بم داند آشفته‌سامان نه زیر به آواز مرغی بنالد فقیر»  
(انصار، ۱۳۹۶: ۷۵)  
که در چاپ‌های مختلف بوستان آمده است (رک. سعدی، ۱۳۸۵: ۳۹۶؛ همو، ۱۳۶۳: ۱۱۱).

\*

«شتر را چون شور طرب در سر است اگر آدمی را نباشد خر است»  
(انصار، ۱۳۹۶: ۷۵)

بیت فوق نیز در چاپ فروغی با اختلاف «شتر را چو شور و طرب در سر است» (سعدی، ۱۳۸۵: ۳۹۶) و در چاپ یوسفی با اختلاف «شتر را چو شور طرب در سر است» (همو، ۱۳۶۳: ۱۱۲) آمده است.

\*

«کلاه سعادت یکی بر سرش گلیم شقاوت یکی در برش»  
(انصار، ۱۳۹۶: ۷۵)  
که در چاپ‌های مختلف بوستان آمده است (رک. سعدی، ۱۳۸۵: ۳۰۶؛ همو، ۱۳۶۳: ۳۴).

همچنین نویسنده بیت «نوا را تندتر می‌زن چو ذوق نغمه کم یابی/ حدی را تیزتر می‌خوان چو محمل را گران بینی» را که در دیوان عرفی شیرازی (م ۹۹۹ ق) به صورت «نوا را تلخ‌تر می‌زن چو ذوق نغمه کم یابی/ حدی را نیز تر می‌خوان چو محمل را گران بینی» (عرفی شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۳-۲: ۳۷۴) آمده، به نقل از مکتوبات صدی (چاپ سید شاه نجم‌الدین احمد فردوسی) در شمار ابیات صد مکتوب دانسته است (رک: انصار، ۱۳۹۶: ۷۵)، حال آن که این بیت نیز در هیچ‌یک از نسخه‌ها و چاپ‌های سنگی در دسترس نگارندگان وجود ندارد.

نویسنده مقاله بیت «فقری در زبان هندی از مخدوم/ پیا جس کو چاهی سهاگن وهی هی» را نیز که از کتاب تاریخ دعوت و عزیمت نقل کرده (رک. انصار، ۱۳۹۶: ۷۵)، در شمار ابیات مکتوبات صدی دانسته است، حال آن که نگارندگان آن را در هیچ یک از نسخه‌ها و چاپ‌های سنگی در دسترس خود

نیافته‌اند.

به گفته محمد آصف انصار، «مخدوم با استناد به ابیات مولانا درباره فناخت می‌گوید: هر که را یک خرقه و نانی بود در دو کونش ملک سلطانی بود» (همان: ۸۷)

حال آن که این بیت الحاقی تنها در چاپ سنگی لکهنو (مورخ ۱۲۸۷ ق) و در مکتوب شصت و دوم شرف‌الدین با عنوان «در تجرید و تفرید به عبارتی دگر» (رک. منیری، ۱۹۹۴م: ۱۹۴ پ - ۱۹۷ ر) آمده و پیداست که افزوده کاتب چاپ سنگی است (رک. همان، ۱۲۸۷ ق / ۱۸۷۰م: ۱۹۳).

نویسنده به‌اشتباه نخستین کلمه را در بیت «روزی مسکین هوسی داشت که در کعبه رسد/ دست در پای کبوتر زد و ناگاه رسید» (انصار، ۱۳۹۶: ۸۹)، «روزی» ضبط کرده، حال آن که صورت صحیح این کلمه در بیت مذکور که تنها در سه چاپ سنگی آره (مورخ ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق)، لکهنو (مورخ ۱۲۸۷ ق) و لاهور (مورخ ۱۳۱۹ ق) و در مکتوب پنجاه و پنجم شیخ منیری با عنوان «در صحبت قاضی صدرالدین و تحریض علم» (رک. منیری، ۱۹۹۴م، گ. ۱۷۳ پ - ۱۷۵ پ) آمده، بدین‌گونه است: «مور مسکین هوسی داشت که در کعبه رسد» (رک. منیری، ۱۲۸۶ - ۱۲۸۷ ق، ج ۲: ۲۳؛ همان، ۱۲۸۷ ق / ۱۸۷۰م: ۱۷۴؛ همو، ۱۳۱۹ ق / ۱۹۰۱ - ۱۹۰۲م: ۱۵۳). گفتنی است، این بیت در نسخ کهن مکتوبات صدی نیامده و بی‌شک افزوده کاتبان چاپ‌های سنگی است.

### نتیجه‌گیری

در جای‌جای مقاله دوم کتاب زبان فارسی در هند با عنوان «شیخ شرف‌الدین احمد یحیی منیری»، به قلم محمد آصف انصار اشتباهاتی وجود دارد که در جستار حاضر با استفاده از منابع گوناگون، نقد و بررسی و اشتباهات و کاستی‌های آن گوشزد شد. به باور نگارندگان، مقاله «شیخ شرف‌الدین احمد یحیی منیری» را می‌توان نوشتاری دانست که جز در چند مورد هیچ مطلب تازه‌ای ارائه نداده، افزون‌بر این که نویسنده مقاله در اغلب موارد، مطالب خود را از کتاب محققانه شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری و سهم او در نشر متصوفانه فارسی به قلم سید مطیع‌الامام البته با ذکر منبع برگرفته‌است.

### پی‌نوشت

۱. گفتنی است، یکی از نگارندگان، تصحیح مکتوبات صدی را بر اساس هفت نسخه کهن و چهار چاپ سنگی به پایان رسانده و به‌زودی متنی منقح از آن عرضه خواهد کرد.
۲. گفتنی است، نگارندگان در مقاله‌ای با عنوان «طریقه فردوسی و تأثرات آن از سلسله کبرویه از رهگذر مکتوبات صدی»، از انتساب نادرست شیخ منیری به سلسله سهروردیه و گاه چستیه

بحث کرده، سپس سه احتمال درباره دلایل شکل‌گیری و رواج این انتساب ارائه داده‌اند. همچنین در بخشی از آن مقاله، با ارائه برخی از مهم‌ترین تأثیرپذیری‌های شرف‌الدین منیری از آثار نجم‌الدین کبری (م ۶۱۸ ق) و دیگر مشایخ کبرویه که در مکتوبات صدی نمود یافته، انتساب فردوسی به سلسله کبرویه را بیش از پیش نشان داده‌اند. (رک. خاتمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۵ - ۲۱).

۳. به باور نویسنده مقاله، مکتوبات دو صدی «شامل دویست و هشت مکتوب است» (انصار، ۱۳۹۶: ۷۶)، حال آن‌که می‌دانیم، تعداد مکتوبات در دویست و چند مکتوب بر اساس گزارش مطیع‌الامام (۱۳۷۲ش / ۱۹۹۳م: ۱۸۲) از نسخ موجود از اثر، بین صد و پنجاه مکتوب در نسخه شماره ۱۲۰۵ کتابخانه انجمن آسیایی بنگاله، تا دویست و هشت مکتوب در نسخه شماره ۱۳۶۳ کتابخانه بانکپور متغیر است، چنان‌که صاحب ثمرات‌القدس نیز این مجموعه را مشتمل بر «صد و پنجاه مفاوضه» (لعلی بدخشی، ۱۳۷۶: ۹۱۳) دانسته است.

۴. رک. غنی مؤرخ‌آبادی، ۱۹۱۶م / ۱۳۳۴ق: ۷۱.

۵. نیز رک. عین‌القضات، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۰۵؛ عطار، ۱۳۹۸، ج ۱: ۵۱۸؛ همان، ج ۲: ۱۳۲۷.

## منابع

آرزو، قاضی سراج‌الدین علی خان (۱۳۸۵). تذکره مجمع‌التفائس. ج ۲. به کوشش دکتر مهر نور محمدخان. با همکاری دکتر زیب‌التساء علی‌خان. اسلام‌آباد - پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

ابن عبدالبر النمري القرطبي، أبي عمر يوسف بن عبدالله بن محمد (۱۹۸۱م). بهجة‌المجالس و أنس‌المجالس و شحد‌الذاهن و الهاجس. القسم الثاني. تحقيق محمد مرسي الخولي، بيروت: دارالكتب العلمية.

اختر هوگلی، قاضی محمدصادق خان (۱۳۹۳). تذکره آفتاب‌المتاب. ج ۱. تصحیح مرضی بیگوردی. زیر نظر یوسف بیگ باباپور. تهران: سفیراردهال.

افشار، ایرج (۲۰۰۳م / ۱۳۸۲ هـ ش). فهرست دست‌نویس‌های فارسی در کتابخانه ملی اتریش و آرشیو دولتی اتریش در وین. تهران: فهرستگان. وین: فرهنگستان علوم اتریش. افشین‌وفایی، محمد (۱۳۹۲). «حافظ در شبه قاره». دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره. جلد سوم. زیر نظر گروه شبه قاره. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۲۸-۷.

اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸۹). عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین. ج ۴. تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخر احمد. با نظارت علمی محمد قهرمان تهران: میراث مکتوب و کتابخانه. موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲). دیوان حافظ. ج ۲. به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

الحسنی، عبدالحی بن فخرالدین (۱۳۸۲ ق / ۱۹۶۲ م). نزهة‌الخواطر و بهجة‌المسامع و التواطر. الجزء الأول. حیدرآباد الدکن - الهند: مجلس دایرة‌المعارف العثمانية.

\_\_\_\_\_ (۱۳۵۰ ق). *نزهة الخواطر و بهجة المسامع و التواظر*. الجزء الثاني. طبع تحت مراقبة الدكتور محمد عبدالعميد خان مدير دايرة المعارف العثمانية. حيدرآباد الدکن - الهند: مجلس دايرة المعارف العثمانية.

خاتمی، محمدصادق و ديگران (۱۳۹۸). «ضرورت تصحيح انتقادی مکتوباتِ صدی از شرف‌الدین منبری». *متن‌شناسی ادب فارسی*. سال پنجاه و پنجم. دوره جدید. سال یازدهم. شماره اول (پیاپی ۴۱). ۵۶-۳۷.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۷). «طریقه فردوسیہ و تأثرات آن از سلسله کبرویہ از رهگذر مکتوباتِ صدی»، *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)*، سال سیزدهم، شماره چهارم، پیاپی ۳۹، ۱-۲۸.

خلیل عظیم‌آبادی، علی ابراهیم بن حسن رضا. *صحف ابراهیم*. برلین: کتابخانه دولتی برلین. شماره ۶۶۳ [نسخه خطی]. تاریخ کتابت: [احتمالاً ۱۲۵۰ ق].

خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۷۲). *فرهنگ سخنوران*. ج ۲. تهران: طلايه.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۳). *امثال و حکم*. ج ۴. تهران: امیرکبیر.

دهلوی کشمیری‌همدانی، محمدصادق (۱۹۹۸ م). *کلمات الصادقین*، تصحیح و تعلیق و مقدمه انگلیسی محمد سلیم اختر. پاکستان: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان و القریش.

رضوی، سید اطهر عباس (۱۳۸۰). *تاریخ تصوف در هند*. ج ۱. ترجمه منصور معتمدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۵). *کلیات سعدی*. به تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: هرمس.

\_\_\_\_\_ (۱۳۶۳). *بوستان سعدی «سعدی‌نامه»*. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.

سهلگی، محمد بن علی (۱۳۸۵). *دفتر روشنایی: از میراث عرفانی بایزید بسطامی*. ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.

شفیعی کدکنی. محمدرضا (۱۳۸۵). *مقدمه بر دفتر روشنایی: از میراث عرفانی بایزید بسطامی*. ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۸). *مقدمه بر تذکرة الاولیاء*. ج ۲. به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.

صدیق حسن خان، محمد صدیق (۱۳۸۶). *تذکره شمع انجمن*. مقدمه. تصحیح و تعلیقات محمد کاظم کهدویی. یزد: دانشگاه یزد.

عرب (۱۹۹۴ م). «حرفی چند» در *مکتوبات صدی*. نسخه عهد مصنف [چاپ عکسی]. (صفحه‌شمار گوناگون). تعارف پروفیسر سید حسن عسکری. تقدیم سید شاه محمد اسمعیل روحی. پتنه: خدابخش اورینتل پبلک لائبریری.

عرفی شیرازی، جمال‌الدین محمد (۱۳۷۸). *کلیات عرفی شیرازی*. ج ۲ و ۳. مشتمل بر: قصیده‌ها، ترکیب‌بندها، ترجیع‌بندها، قطعات. بر اساس نسخه‌های ابوالقاسم سراجا

اصفهان‌ی و محمدصادق ناظم تبریزی. به کوشش و تصحیح پرفسور محمد ولی‌الحق انصاری. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. عطار، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۸). تذکرة الاولیاء. ج ۲، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ الف). منطق الطیر. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ ب). الهی‌نامه. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). اسرارنامه. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.

عین‌القضات، عبدالله بن محمد (۱۳۶۲). نامه‌های عین‌القضات همدانی. ج ۱. به اهتمام علینقی منزوی و عقیف عسیران. تهران: کتاب‌فروشی منوچهری و کتاب‌فروشی زوآر. غنی مؤفرخ‌آبادی، محمد عبدالغنی خان صاحب (۱۹۱۶م/ ۱۳۳۴ق)، تذکرة الشعراء، به اهتمام محمد مقتدی خان شروانی. علیگره: انستی تیوت گزت. فردوسی، شاه شعیب (۱۳۱۳ق/ ۱۸۹۵م). مناقب‌الاصفياء [چاپ سنگی]. به اهتمام فقیر محمد بشیر. کلکته: نورالآفاق.

گوپاموی، محمد قدرت‌الله (۱۳۳۶). کتاب تذکرة نتائج الافکار. ناشر اردشیر بنشاهی فرزند خدارحم مرزبان اله‌آبادی خاضع. بمبئی: چاپخانه سلطانی. لعلی بدخشی، میرزا لعل‌بیگ (۱۳۷۶). ثمرات القدس من شجرات الانس. تصحیح سید کمال سید جواد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. مجددی، محمد اقبال (۱۳۸۷). «بدرالدین سمرقندی». دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره. ج ۲. زیر نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی. به سرپرستی علی‌محمد مؤذنی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۸۲۹.

محدث دهلوی، عبدالحق (۱۳۸۳). اخبار الاخيار فی اسرار الابرار. تصحیح و توضیح علیم اشرف خان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۴). ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب یا کنی و القاب. ج ۳. تهران: ختام.

مطیع‌الامام، سید (۱۳۷۲ش/ ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳م). شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری و سهم او در نشر متصوفانه فارسی. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

منیری، شرف‌الدین احمد بن یحیی (۱۹۹۴م). مکتوبات صدی، نسخه عهد مصنف [چاپ عکسی]. (صفحه‌شمار گوناگون). تعارف پروفیسر سید حسن عسکری. تقدیم سید شاه محمد اسمعیل روحی. پتنه: خدابخش اورینتال پبلک لائبریری.

\_\_\_\_\_ . مکتوبات صدی. کشمیر: کتابخانه علامه اقبال دانشگاه کشمیر. شماره ۹۳۷۰۱ [نسخه خطی]. تاریخ کتابت: ۱۰۴۱ ق.

\_\_\_\_\_ (۱۲۸۷-۱۲۸۶ ق). مکتوبات صدی [چاپ سنگی]. ج ۲.  
به اهتمام منشی جیکوبندها و انتضام یاد علی. آره: مطبع منشی سنت پرشاد صاحب  
آروی.

\_\_\_\_\_ (۱۲۸۷ ق / ۱۸۷۰ م). مکتوبات صدی [چاپ سنگی]. با  
تصحیح و مقابله و تحشیۀ محمّد علی اکرم صاحب آروی (د. پس از ۱۳۰۶). به سعی و  
اهتمام محمّد علیبخشان (مدیر مطبع). لکهنو: مطبع علوی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۱۹ ق / ۱۹۰۲-۱۹۰۱ م). سه صدی مکتوبات  
(مضامین تصوّف و عرفان) [چاپ سنگی]. لاهور: کتب‌خانه اسلامی پنجاب. مطبع  
اسلامی.

هدایت، رضا قلی بن محمّد هادی (۱۳۸۵). تذکرۀ ریاض‌العارفین. مقدمه، تصحیح  
و تعلیقات ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات  
فرهنگی.

همام، محمّد بن فریدون (۱۳۹۴). دیوان همّام تبریزی. تصحیح رشید عیوضی. تهران:  
فرهنگستان زبان و ادب فارسی.